

امام علي (ع) الگوی خود سازی

در دانش تربیتی و علم روانشناسی، یکی از مهمترین اصول پرورشی که در تربیت نسلهای آینده بسیار مهم و مفید شناخته شده، نشان دادن الگو و ارائه نمونه است. وقتی ما درباره انسانشناسی سخن می گوئیم و معتقدیم که انسان می تواند به جایی برسد که به قول سعدي: "بجز خدا نبیند"، و ما می خواهیم برای این فکر و ایده يك الگو و نمونه بیاوریم، یکی از این الگوها مولاي متقيان حضرت علي (ع) هستند، این شخصیت بزرگ از معدود انسانهای والایی است که دوست و دشمن او را تمجید و تعریف کرده اند. شخصی آمد پیش معاویه که با علي بسیار دشمن بود. معاویه می خواست او را امتحان کند که او چگونه آدمي است، چاپلوس و دروغگو است یا آدمي راستگو است؟ گفت: فلانی در باره علي نظرت چیست؟ آن مرد شروع به چاپلوسی کرد و برای اینکه معاویه خوشش بیاید، از علي بسیار بدگفت و ایشان را شخصی بخیل توصیف کرد. معاویه گوش میداد و هنگامیکه صحبت این شخص تمام شد گفت: "بسیار بي انصاف هستی، به خدا قسم اگر علي دو انبار در اختیار داشت: يك انبار از کاه و دیگری از طلا، و به او می گفتند یکی از دو انبار را در راه خدا انفاق کن، او مطمئناً انبار طلا را در راه خدا انفاق می کرد". دشمن علي (ع) در باره او به این زیبایی سخن می گوید! و چقدر با سعادت است آن کسی که دوست و دشمن از او تعریف کنند.

شهد الأنام بفضلته حتى العدى والفضل ما شهدت به الأعداء

یکی از دانشمندان بزرگ مسلمان خلیل ابن احمد نام دارد. این شخص مبتکر دانش عروض است، علم عروض دانشی است که با آن شعر را می سنجند. از این دانشمند سوال کردند اي خليل نظرت در باره علي چیست؟ گفت: من چه بگویم در باره کسی که دشمنانش به خاطر عداوت و کینه اي که داشتند سعی کردند فضائل او را مخفی کنند و دوستانش هم از ترس دشمنان سعی کردند فضائل او را مخفی کنند؛ در عین حال فضائل و آوازه خوبی هاي او شرق و غرب را فرا گرفته است!

شخصیت امام علی (ع) مانند خورشید درخشانی است که حتی ابرهای تیره هم نمی توانند جلو نور افشانی او را بگیرند و اگر شخص دیگری به تمجید از آنها بپردازد، بر عزت و بزرگی آن شخص افزوده می شود. سعدي در باره اینگونه بزرگان فر هیخته تاریخ چنین می گوید:

تو از هر در که باز آئی بدین خوبی و زیبایی
دري باشد که از رحمت به روی خلق بگشائی
ملامت گوي بي حاصل ترنج از دست نشناسد
در آن معرض که چون يوسف جمال از پرده بنمایی
به زیورها بیاریند وقتی خوب رویان را
تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارانی
تو با این حسن نتوانی که روی از خلق درپوشی
که همچون آفتاب از جام و حور از حله پیدایی

خوب است بدانیم که شخصیت هاي بزرگ جهان در باره امير مؤمنان (ع) چه گفته اند، در اینجا به چند نمونه اشاره می کنم.

یکی از دانشمندان بزرگ، بوعلی سینا است که ما خود او را بعنوان نمونه و الگو معرفی می کنیم. او درباره علي سخن زیبایی دارد که در کتاب رساله معراجیه آمده است و در آن گفتار چنین می گوید:

“ و برای این بود که شریفترین انسان و اشرف انبیاء و خاتم رسولان چنین گفت با مرکز حکمت و فلك حقیقت و خزانه عقل امیر المؤمنین که "یا علی إذا رأیت الناس یتقربون الی خالقهم بأنواع البرّ تقرب الیه بأنواع العقل تسبقهم". گفت: ای علی چون مردمان در تكثر عبادت رنج برند، تو در ادراک معقول رنج بر تا بر همه سبقت گیری. و اینچنین خطاب را جز با چون او بزرگی راست نیامدی که او در میان خلق چنان بود که معقول در میان محسوس. لاجرم چون با دیده بصیرت عقل مدرک اسرار گشت، همه حقایق را دریافت و دیدن حکم داد و برای این بود که گفت: **لو كشف الغطاء ما ازددت یقینا**". (رساله معراجیه، نقل از توفیق التطبيق، نوشته علی بن فضل الله جیلانی).

ابن ابی الحدید معتزلی که از علمای اهل سنت است که شرحی بر نهج البلاغه هم نگاشته است، در باره علی یک سخن بسیار زیبایی دارد. می گوید: من چه بگویم در باره مردی که همه فضیلتها به او منتهی می شود و هر مکتب و هر گروهی خود را به او منسوب می سازد. آری اوست سرچشمه همه فضیلتها. مولانا جلال الدین رومی در مثنوی معنوی در باره علی (ع) چند سخن زیبا گفته است:

از علی آموز اخلاص عمل
شیر حق را دان منزه از دغل

آنگاه خطاب به علی می گوید:

راز بگشا ای علی مرتضی
ای پس از سوءالقضا حسن القضاء
ای علی که جمله عقل و دیده ای
شمه ای و آگو از آنچه دیده ای
تیغ جلمت جان ما را چاک کرد
آب علمت خاک ما را پاک کرد
باز گو دائم که این اسرار اوست
زانکه بی شمشیر کشتن کار اوست.

علی رمز الهی و راز خدائی است، همان خدایی که بی شمشیر کشتن کار اوست. همانطور که حافظ در یک شعر زیبا می گوید:

در زلف چون کمندش ای دل میبچ کانجا
سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت

کار خدا بی شمشیر کشتن است کار آن معشوق، کار آن کسی است که فقط از روی حسن و زیبایی افراد را به میدان فداکاری می کشاند، تیغ عشق است، نه تیغه شمشیر. مولانا سپس می گوید:

باز گو ای باز عرش خوش شکار
تا چه دیدی این زمان از کردگار
چشم تو ادراک غیب آموخته
چشمهای حاضران بر دوخته
زین سبب پیغمبر با اجتهاد
نام خود را و آن علی مولانا نهاد

در عید غدیر خم پیامبر بالای منبر رفت در آن بیابان میان مکه و مدینه وقتی که حداقل هجده هزار نفر پای سخنرانی حضرت جمع شدند یک جمله گفت:
هر که من مولای او هستم از این پس علی مولای اوست. مولانا می گوید:

گفت هر کور را منم مولا و دوست
ابن عم من علی مولای اوست

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود را و آن علی مولا نهاد

و سپس مولوی ، مولا را بسیار زیبا معنی می کند که چرا پیغمبر چنین فرمود.

کیست مولا آنکه آزادت کند بند رقیبت زیایت وا کند

مولا کسی است که شما را آزاد مرد تربیت کند ، مولا آن کسی نیست که شما برده او باشید ، مولا آن کسی است که شما را از بردگی نجات دهد.

چون به آزادی نبوت هادی است مؤمنان را ز انبیاء آزادی است

و لذا می گوید آزاد آن کسی است که تعالیم انبیاء را بگیرد و در پرتو آموزش انبیاء و پیغمبران رشد کند ، او آزاده واقعی خواهد بود .

یکی از دانشمندان ماده گرا از پیشتازان مکتب ماتریالیسم " شبلی شمیل " است . این دانشمند در برابر شخصیت علی (ع) به تعظیم و تمجید می پردازد ، جمله ای زیبا دارد که در کتاب " علی صوت عدالت انسانی " ذکر شده است . می گوید:

" پیشوا علی ابن ابی طالب بزرگ بزرگان یکتا نسخه ای است که نه شرق و نه غرب ، نه در گذشته و نه امروز صورتی مطابق این نسخه ندیده است".

یکی دیگر از نویسندگان مسیحی جبران خلیل جبران است که در کتاب خود در باره علی (ع) جمله ای آورده است که عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب " امام علی " (جلد يك مقدمه چاپ کتاب اول) خود از ایشان نقل قول کرده است . چنین می گوید : " او (علی) از این دنیا رخت بر بست در حالیکه رسالت خود را به جهانیان نرسانده بود . " یعنی آنچه را که او بود جهان هنوز نشناخته بود و سخن او را درک نکرده بود یعنی زمانه به او مهلت نداد و فهم مردم زمان او آنقدر بالا نبود تا علی را درک کنند . او از این دنیا چشم پوشید مانند پیامبرانی که در جوامعی مبعوث می شدند که گنجایش آن پیامبران را نداشتند و به مردمی وارد می شدند که شایسته آن پیامبران نبودند و در زمانی ظهور می کردند که زمان آنها نبود . خدا را در این کار حکمتی است که خود داند و خود دانا تر است .

یکی دیگر از دانشمندان مسیحی به نام میکائیل نعیمه در باره حضرت علی (ع) سخنی دارد می گوید: هیچ مورخ و نویسنده ای هر اندازه هم از نبوغ و رادمردی بر خوردار باشد نمی تواند تصویر کاملی از انسان بزرگی چون امام علی در مجموعه ای که حتی دارای هزار صفحه باشد ، ترسیم نماید .

آخرین سخن را در این گفتار از يك دانشمند مسیحی به نام جورج جورداق لبنانی نقل می کنیم ، او درباره حضرت علی چنین می گوید : " آیا انسان بزرگی مانند علی را می شناسی که حقیقت انسانی را به عقول و مشاعر بشری آشنا سازد . آن حقیقت انسانی که ژرفائی بس عمیق دارد که هر يك از صاحبان عقول و نفوس بزرگ مطابق روش و طبع خود آنرا درک می کند . " او می گوید آن برداشتی که شما از علی دارید غیر از شخصیت واقعی علی است ، علی اقیانوسی است که هر کس به اندازه ظرف ادراک خود و گنجایش فهم خود او را می شناسد .

اینجاست که انسان آن غزل زیبای سعدی را به یاد می آورد که می گوید:

به زیورها بیاریند وقتی خوب رویان را
تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی
تو با این حسن نتوانی که روی از خلق در پوشی
که همچون آفتاب از جام و حور از حله پیدایی
ملامت گوی بی حاصل طرنج از دست نشناسد
در آن معرض که چون یوسف جمال از پرده بنمایی